

برای انسان بهره‌ای جز سعی و تلاش او نخواهد بود.  
(نجم، ۳۹)

## پیشگفتار

تغییر و تحولات سال‌های اخیر در دو حوزه «آموزش» و «کارآفرینی»، بحث «آموزش کارآفرینی» و «کارآفرینی آموزشی» را به موضوعاتی مهم در کسب و کارهای کارآفرینانه تبدیل کرده است. از یک سو، آموزش روز به روز نقش و اهمیت بیشتری در حوزه‌های مختلف یافته و تقاضای زیاد و رو به رشدی برای آن به وجود آمده است و از سوی دیگر، بسیاری از آموزش‌ها (رسمی و غیررسمی) کیفیت و اثربخشی لازم را ندارند. دانش‌آموزان و معلمان آموزش‌های سنتی را بر نمی‌تابند؛ دانشجویان علاقه‌ای به دریافت آموزش‌های غیرکاربردی نشان نمی‌دهند؛ دانش‌آموختگان دانشگاهی خواهان اشتغال یا استفاده از فرصت‌های بیشتر کار هستند. تصمیم‌گیرندگان دولتی در زمینه تأمین بودجه مؤسسات آموزش عالی به اثربخشی این مؤسسات با تردید نگاه می‌کنند، در حالی که مدیران سازمان‌ها و صاحبان صنایع با محدودیت منابع مالی مواجه‌اند و از صرف این منابع برای آموزش عالی، خواه در قالب دوره‌های ضمن خدمت یا دوره‌های آموزشی مقطع دار، برای منابع انسانی خود اطمینان ندارند. این‌ها تنها بخشی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزش عالی است.

راهی اصولی برای کاستن از این چالش‌ها، کارآفرینی است. در حوزه آموزش، کارآفرینی به عنوان موتور محرکه توسعه آموزشی عمل می‌کند. اگر از چشم یک کارآفرین به چالش‌های حوزه آموزش نگاه کنید، این شکاف کیفی بین تقاضا و عرضه در زمینه آموزش یک فرصت کارآفرینانه است. شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب نیازی اجتماعی ایجاد کرده و این فضا بهشت کارآفرینان است.

امروزه، در همه زمینه‌های رفتار اقتصادی انسان، کارآفرینی را موتور محرکه توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌دانند. در کشورهای توسعه‌یافته دنیا اهمیت کارآفرینی فقط به سبب

مسئله اشتغال نیست، بلکه فعالیت‌های اقتصادی کوچکی که در این کشورها به وجود آمده و رشد کرده‌اند، سهم عمده‌ای در توسعه فناوری‌های پیشرفته و، از سوی دیگر، تولید ثروت در دنیا داشته‌اند. اما کارآفرینی ساده نیست؛ درصد قابل توجهی از افرادی که اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکاری می‌کنند شکست می‌خورند. فقط تعداد اندکی از آن‌ها موفق می‌شوند که کسب‌وکار نوآورانه خود را سرپا نگه دارند. حتی اگر از همین افراد در مورد موفقیتشان پرسیده شود، از سختی مسیر گلایه می‌کنند - حداقل در ظاهر - و به قول مک کورمک<sup>۱</sup> غالباً می‌گویند: «اگر می‌دانستم که باید این قدر جان بکنم، هرگز دست به این کار نمی‌زدم». سختی دستیابی به موفقیت در مسیر کارآفرینی، در حوزه‌های نوظهور و دیربازده مثل آموزش، نسبت به سایر حوزه‌های اقتصادی، بیشتر هم هست.

آن روی سکه کارآفرینی موفقیت فردی و پیشرفت اجتماعی است. کارآفرینان موفق، ضمن اینکه برای خود و خانواده‌شان منافع و لذت‌هایی ایجاد می‌کنند، با عرضه نوآوری‌ها به جامعه موتور محرکه رشد و توسعه اجتماعی نیز به شمار می‌روند. کارآفرینی موجب رضایتمندی در زندگی شغلی و شخصی و پیشرفت و توسعه اجتماعی است. کارآفرینی آموزشی نیز، ضمن ایجاد فرصت‌های اشتغال و درآمدزایی برای فعالان این حوزه، به توسعه نظام آموزشی و، در نتیجه، توسعه اجتماعی یاری می‌رساند.

کارآفرینی آموزشی، به عنوان یک عرصه نوظهور، طی سال‌های اخیر در سطح دنیا، و به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، توجه جدی همگان را به خود جلب کرده است و کارآفرینان آموزشی، به عنوان یک منبع مهم در تحولات و پیشرفت‌های نظام آموزشی، به رسمیت شناخته شده‌اند. کارآفرینی در آموزش نیز، مانند هر چیز دیگر، ملزومات خاص خود را دارد. شاید «سرمایه» یکی از مهم‌ترین ارکان در شروع یک فعالیت کارآفرینانه باشد، اما همه آن نیست. دانش و توانایی مدیریت، خلاقیت و شناخت ایده و فرصت، دانش تخصصی، شناخت نظام آموزشی و چالش‌های آن، دانش اقتصادی، شناخت اوضاع نظام آموزشی و نیازهای آن و، از همه مهم‌تر، باور داشتن به اینکه «من می‌توانم کار جدیدی را شروع کنم» الزاماتی هستند که در شروع یک فعالیت کارآفرینانه نقشی اساسی دارند.

۱. مک کورمک، مارک اچ. (۱۳۷۴)، *هاروارد چه چیزهایی را یاد نمی‌دهد*، ترجمه محمود طلوع، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

کارآفرینی آموزشی، به منزله یکی از اقدامات مؤثر در تغییر و تحولات نظام‌های آموزشی، در صورتی می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت تحصیلی فراگیران و ایجاد پیامدهای مطلوب آموزشی باشد که کارآفرینان آموزشی، علاوه بر بهره‌مندی از قابلیت‌های کارآفرینی، از مهارت لازم برای شناخت نظام آموزشی، شناسایی مسائل و چالش‌های حوزه آموزش، درک فرصت‌های کارآفرینی در نظام آموزشی و برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های راهبردی برای شناسایی موانع و چالش‌های پیش رو و استفاده از راهکارهای مؤثر برای غلبه بر این موانع نیز برخوردار باشند.

کتاب کارآفرینی آموزشی برای پاسخ به این نیاز اساسی و به طور مستقیم در پاسخ به نیاز دانشجویان حوزه‌های مرتبط با آموزش، و به ویژه دانشجویان رشته علوم تربیتی، تدوین و سعی شده است تا، با تبیین مفهوم کارآفرینی در حوزه آموزش، ویژگی‌های خاص کارآفرینی در این حوزه توضیح داده شود تا با تقویت بینش، دانش و رفتار کارآفرینانه، زمینه اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی بهبود یابد.

بی‌شک کمک به برخورداری دانش‌آموختگان حوزه آموزش و رشته علوم تربیتی از شایستگی‌های کارآفرینانه و نیز حمایت از آن‌ها در زمینه راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوآورانه آموزشی بسیاری از چالش‌های نظام آموزشی رسمی را برطرف و زمینه ارتقا و بهبود دستاوردهای آموزشی را فراهم می‌کند.

این کتاب، به عنوان منبع آموزشی درس کارآفرینی آموزشی در مقطع کارشناسی رشته علوم تربیتی، به ارزش ۲ واحد تدوین شده است و برای سایر درس‌ها در رشته‌های مرتبط نیز به منزله منبع کمک آموزشی به کار می‌آید. ضمن سپاس از همکاری ارزشمند مدیر محترم گروه علوم تربیتی «سمت»، جناب آقای دکتر غلامرضا شمس، کارشناس گرامی گروه، سرکار خانم لیلا شرف، ویراستار ارجمند سرکار خانم شیوا مجیدی و سایر همکاران عزیز که در به ثمر نشستن این اثر نقش داشتند از خوانندگان محترم کتاب، به ویژه استادان گرامی و دانشجویان عزیز، تقاضا داریم با بیان انتقادات و پیشنهادها خود ما را در بهبود محتوای کتاب یاری کنند.

محمدرضا آهنچیان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

داود قرونه (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)

تابستان ۱۳۹۷